

چند جمله در تشویق

و برای رسیدن بکدام اوج تلاش کند؟! اگر مادر بجای این جمله چنین میگفت : (پسر من تو را خیلی دوست دارم ، امیدوارم همیشه موفق باشی) ! درست تر و استوارتر گفته بود . و کسیکه به دخترش میگوید :

(دخترم ! واقعا تو خوب هستی) یا (دخترم او تو راضیم ، هرچه بخواهی برات میخرم) .

اگر گفتار خود را ، با دستور قرآن تطبیق میداد و می سنجد ، چنین نمیگفت ، چون خود ، باور دارد که دخترش بسیاری از خوبیها را ندارد و باید با تلاش و سعی بدست آورد و یا وقتی میگوید : هر چه بخواهی برایت میخرم قولی داده که انجامش نه صحیح است و نه در حد توانائی او ، مادر میتواند اینطور بگوید : دخترم از تو راضیم ، هدیهای برایت تهیه میکنم . مطابق وعده صریحی که آیهای ، باهل ایمان داده است ، اگر در : (درست و استوار گفتن) دقت کنیم خدا رفتار و اعمال ما را ، بسوی صلاح و شایستگی هدایت خواهد فرمود

همه ما ، برای تشویق و تشکر ، از رفتار خوب فرزندان خود ، تدابیری بکار میبندیم و جملههایی بعنوان سپاس یا ستایش بکار میبریم ، هدف این " نوشته کوتاه " یادآوری چند " اصل تربیتی " است که : توجه بیشتر باین اصول ، ما را در انتخاب جمله های مفیدتر و تدابیر موثرتر کمک خواهد کرد .

گفتار استوار (قول سدید)

دربیان خوبیهای فرزند ، هرچه بگوئیم ، باید درست بگوئیم و استوار ، بدون هیچ کم و کاست و بی هیچ زیادهگوئی و افراط ، قرآن مجید چنین میفرماید : یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً یصلح لکم اعمالکم (ای افراد باایمان ، پرهیزکار ، و خداترس باشید ، و گفتار درست و استوار بگوئید تا خدا اعمال شما را اصلاح کند) . مادری که بفرزند خویش میگوید : " تو بهترین پسر دنیائی " و یا " تو همیشه موفق خواهی شد " . درحقیقت او را از هرگونه تلاش و کوشش باز داشته است ، زیرا او " بهترین " است ، دیگر برای چه بکوشد ؟

و در مسیر تربیت فرزندان چه بهتر از این .

ستایش کار یا ستایش شخص ؟

کدام فرزند است که لایق ستایش مطلق باشد مگر هرکسی خطایی ندارد ؟ پس بهتر است که بیشتر کار را ستایش کنیم نه شخص را تا شخص ، در سایه کار مفید ، ستایش شده باشد و اگر ستایش را مفید و ضروری دانستیم ، کوتاه و مختصر بگوئیم .

امیرالمومنین علیه السلام میفرمایند :

" اذا مدحت فاختصر " هنگامی که کسی را ستودی ، مختصر گوی .

و پیامبر میفرمایند :

" احتوا التراب فی وجوه المداحین " برچهره آنان که بسیار ستایش میکنند خاک بپاشید تا خاموش گردند و زبان از ستایش بیهوده فروبندند . مادری در مقابل مهمانان ، در حضور پسرش میگفت " پسرم واقعا بچه با محبت و نازنینی است ، یک ذره کینه و بدخواهی در دلش نیست ، واقعا دوست داشتنی است ، برخلاف همه بچه‌ها کاملا مهربان است ، همین دیروز هنگام بازگشت از مدرسه ، هدیه‌ای برای خواهرش تهیه کرده بود و به او داد " .

هنگام شنیدن این سخنها ، فرزند زیر لب میخندد چون بدیهی پنهانش را ، خود از نزدیک میبیند و دردل میگوید : تعریفهایی که مادرم از من میکند واقعیت ندارد .

درست است که ، دیروز هدیه‌ای برای خواهرم خریدم ولی همین پریروز باخواهرم

کنتگ کاری مفصلی کردم و بهمین جهت مادرم مرا ، بی ادب و بی لیاقت خواند و علاوه ، چون در این سخن ، مادر را زیاده گو و اغراق پرداز میبیند نسبت بدیگر سخنان او هم بی اعتماد میشود و از این پس مادر هرچه بگوید نه میپذیرد ، و نه باور میکند ، و علاوه بتدریج از شنیدن سخنان واقعی گریزان میشود و دوست میدارد که همه بجا و بیجا ، لب به ستایش او بکشایند و تعریفش کنند . و چه بدتر از این !!

توجه و یادآوری و گفتگو درباره کارهای خوب ؛ درمثال گذشته ، اگر مادر در حضور مهمانان میگفت : پسرم دیروز که بخانه آمد برای خواهرش هدیه‌ای خریده بود ، از این کارش خیلی خوشحال شدم و از او تشکرکردم حالا هم از گفتن این داستان و یادآوردن این کار خوبش خیلی خوشحالم . (خطاب به پسر ، در حضور مهمانان) پسرم ! چه کار خوبی کردی ! از تومتشکرم . بخاطر داشتن و یادآوردن و ستودن کارهای خوب فرزند ، او را نسبت به رفتار خوبش خوشبین و مطمئن میکند . وهم برای کارهای خوب آئنده ، در او شوق و رغبت میافزاید .

امیرالمومنین میفرمایند :

" لم یزد فی مطلوب بمثل الشکر " هیچ چیز به اندازه شکر و سپاس در افزایش کار مطلوب موثر نیست . اگر میخواهیم فرزندانمان نسبت بکارهای مفید ، و شایسته ترغیب شوند و با اشتیاق بسوی کارهای خوب بشتابند

شایسته را احساس کند . تعیین یک شیئی مورد علاقه کودک شاید انگیزه‌آی باشد برای حرکت و تلاش او در صورتیکه ، بتدریج آن شیئی جای خود را با خوشنودی پدر یا مادر یا مربی عوض کند و پاداش ، نام و نشان هدیه بخود بگیرد و چه بهتر که کودک هنگام انجام کار بخاطر خوبی خود کار و احترام رضای پدر و مادر ، کار را انجام دهد و از تهیه هدیه بیخبر و یا کمتر خبر داشته باشد .

مثلا بجای جمله‌هایی از این قبیل :

" اگر حرفم را بشنوی ، برات جایزه هر نمره بیست که بیاری ، یک تومان بهت میدهم " جمله‌هایی با این مفاهیم بکار نبریم " پسر خوبم ! از شما خیلی متشکرم ، اینهم

باید : از رفتار خوبشان در گذشته بیشتر تشکر کنیم و آنها را بیاد بیاوریم و سیاست گوئیم و هرچه کوشش او درکارها بیشتر ، سیاس ما بهتر و فراوانتر .

امیرالمومنین میفرمایند :

" من بذل لک جهد سعيه ، فايدل له جهد شرک " هرکه برای تو تمام تلاشش را بکار برد ، توهم تمام سیاست را به او تقدیم کن . توجه به هدفهای برتر :

برای ترغیب و تشویق فرزند ، بکارهای خوب و شایسته ، لازمست در مراحل اولیه ، هدفی نزدیک مشخص نمود که کودک بتواند با انجام کاری مفید و شایسته بآن هدف برسد و بهره مند گردد و شیرینی و ارزش رفتار



خودت راضی کردی !

واز این گونه ها

واز این نمونه ها

با شنیدن و بسیار شنیدن این نوع جمله ها
کودک می فهمد و می یابد که او آفریده -
ایست که بسوی آفریدگار خویش ره میپوید ،
و تنها هدف و تنها آرمان زندگیش تحصیل
رضای اوست که :

(و رضوان من الله اکبر)

و خوشنودی خدا از هر چیز برتر است .

جایزه شما " از نمرات خوبت خوشحالم
اینهم هدیه من "

توجه به جاودانگی انسان :

در مراحل بالاتر جملاتی از این قبیل ،
دخترم ! کار خوب در دنیا و آخرت ، نتیجه
خوب و مفید دارد ، آفرین ! خیر دنیا و
آخرت بینی آفرین ! چه خوب !

هرکار خوبی که میکنی ، بهشت خودت را
فشنگ تر و بهتر میکنی ، کار خوبی کردی !
خیر دنیا و آخرت بینی ، واز اینگونه

توجه به آفریدگار و هدف انسان
تحصیل رضای پروردگار ، بالاترین هدف و
برترین سعادت یک انسان کامل است .
یک مادر فهمیده ، یک پدر اندیشمند ، یک
مربی دقیق ، میکوشد که :

این برترین هدف را بکودک بگوید
و در تکرار و تثبیت این گفتار یکوشد
بویژه آنجا که میخواهد ، او را برای انجام
کاری آماده و مشتاق کند . مثلا :
هنگامی که ، کودک کار شایسته ای انجام
داده چنین بگوئیم :

خدا ، نیکوکاران را دوست میدارد ، آفرین !
چه کار خوب و نیکوئی ! پسرم ! از تو راضیم
خدا از تو راضی باشد . با این کارت خدا
را خوشنود کرد ، بارک الله .
کمک کردن را خدا ، دوست دارد .

چه کمک بجائی !

حالا که منو خوشحال کردی ، خدا را از

